

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

• **موضوع: آسیب شناسی فقه معاصر**

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم صل على محمد و آل محمد و اهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

خدای بزرگ را شاکرم که مجدد توفیق داده محضر شما اساتید باشم .

اگر یادتان باشد در دیماه 1400 جلسه ای بود با عنوان: «ابزارهای استنباط در مسائل مستحدث» من محضر شما عرض کردم که چهار نوع مواجهه ما با این مساله داریم:

• **چهار گفتمان مرتبط با آسیب شناسی فقه معاصر؛**

ممکن است کسی به زبان نیاورد و ننویسد ولی چهار گفتمان وجود دارد:

اول: یک مواجهه این است که اصولاً ابزار خاصی ندارد و ما همان ابزاری را که جای دیگری به کار می بریم در این جا هم به کار می بریم منتها متعلق مساله فرق می کند گاهی ممکن است عبادات و یا معاملات باشد و الا ابزار خاصی ندارد. نگاه متقابل در واقع ضد این نظر؛ برخی معتقدند ما کاملاً ابزار جدید می خواهیم یکی از نویسندگان میگوید شما با رفوکاری اصول و روش حوزه، نمی توانید مسائل جدید را استنباط کنید؛ یکی از این آقایان تعبیر می کند، اجتهاد در اجتهاد این تعبیر شاید سرچ کنید بیاید معنی این اجتهاد در اجتهاد این است که ما باید روش حوزه های علمیه را در استنباط مسائل جدید کنار بگذاریم. بنده در کتاب جدید روش شناسی اجتهاد به این قضیه اشاره کردم. ولی خود بنده به عنوان یک طلبه ای که مطالعاتی دارد معتقدم که نه اولی درست است و نه دومی یعنی این ها علی طرفین نقیض اند به نظر می رسد ما باید بر همین تراث موجود تکیه کنیم ولی تن به برخی از مسائل هم بدهیم که من آن روز در حد اقتضای فرصت به چهار نهاد اشاره کردم. نهاد اول تحت عنوان لزوم توسعه مسائل اصول فقه؛ من میدانم شما این مطلب را اگر به برخی ها بگویید شاید ناراحت شوند و بعد بگویند اصول فقهی را که ما معتقدیم فریه شده و متورم است، حالا یک آقایی پیدا شده و می گوید باید توسعه داد!

این یک ادعا است لزوم توسعه مسائل اصول فقه که خوشبختانه در جاهای مختلف این مطلب را بیان کرده ام .

دوم: نگاه سیستمی در مسائل مستحدث؛ گاهی باید نگاه نظام وار داشت و نگاه اتمیک ممکن است جواب ندهد. مثلاً شما فرض کنید در بحث مالکیت انفال یا مالکیت عقار یا مالکیت ... گاهی وقتها لازم است

انسان سیستم اقتصادی اسلام را بفهمد آیا واقعا جای سوال هست یا نه؟ که مثلا اسلام کاپیتالیسم را تایید می کند یا سوسیالیسم یا تلفیقی از این دو را؟ کدامیک؟ یا حتی غیر تلفیقی؟ البته چون آن روز محور بحث بود بیشتر مثال زدم ...

سوم: داشتن گفتمان این کار است؛ من از قم می آیم از اصفهان هم خبر دارم و از گفتمانی که در مشهد هست بی خبر نیستم گاهی وقتها افرادی عهده دار کار می شوند که گفتمان این بحث را ندارند و این عیب هم نیست . ممکن است فقیهی باشد که مکاسب را خوب فهمیده باشد یا فرمایش بزرگان یا آقای نایینی را خوب فهمیده باشد ولی آن نگاهی که باید در مسائل مستحدث داشته باشد ، ندارد.

و چهارم: موضوع شناسی دقیق؛ منظورم از موضوع شناسی این سبک متداول نیست؛ بیشتر آن که گاهی در برخی از صحبتها عرض کردم درس های دوضلعی یا سه ضلعی ... در برخی مباحث کارشناس باید درکنار فقیه باشد . این که فقیه بخواهد از جایی اطلاعاتی ناقص را بگیرد و براساس آن اطلاعات ناقص بخواهد فتوا بدهد در جریان هستید برخی فتاوا ، وقتی مطرح می شود بعد باید با زحمت جمعش کرد و توضیحش داد و ...

علی ای حال ؛ ما به چهار ابزار آن جا اشاره کردیم. شاید اگر وقت بود به دو سه ابزار دیگری هم اشاره می کردم .

آن چه مطمح نظر است فعلا « آسیب شناسی فقه معاصر » است .

اولا این واژه فقه معاصر حداقل دو کاربرد مهم دارد یک کاربرتش به نحو اضافه فقه معاصر یعنی فقه مسائل معاصر ... می شود مضاف و مضاف الیه و رقیب آن می شود فقه مسائل غیر معاصر ... فقه معاصر یعنی مسائلی که جدیداً مطرح شده؛ یا اصلش یا شکش ... برخی مسائل اصلش معاصر نیست اما شکل خاصش معاصر است.

● فقه معاصر دقیقا به چه معنا مد نظر است؟

منظور این است فقه مسائل معاصر مقابل فقه مسائل غیر معاصر ...

مثلا یک درس خارج ببینید کتاب الصلاة کتاب الزکاة .. اما یکدفعه می آید بحث معاملات بورس و فرابورس و فقه سیاسی و ... مطرح می شود. منظور از فقه معاصر ، فقه مسائل معاصر است و وقتی از آسیب شناسی صحبت می شود به این معنا است که می خواهیم آسیب های این نوع فقه را بررسی کنیم؛

اما شکل دوم ؛ فقه معاصر وقتی گفته می شود به نحو صفت و موصوف است در واقع فقاقت معاصر منظور است یعنی فقه با نگاه اقتضائات زمان و مکان ؛ جالب این است که گاه ممکن است متعلقش هم

مسائل جدید باشد ممکن است متعلقش مساله جدید هم نباشد ممکن است کسی صلاة جمعه را بررسی کند، جدید نیست اما با نگاه جدیدی نگاه کند این هم شکل دوم .

پس دو معنا یکی اضافه و دیگری صفت و موصوف ...

آن چه دارج است امروزه شکل اول است الان این کتابی چاپ شده و این طرف و آن طرف هم می برند مثلا لجنه فقه معاصر این ها منظور شان از اصطلاح فقه معاصر همان نگاه و برداشت اول است یعنی با همان نگاه و با همان سنتها و با همان گفتمان اما در مسائل معاصر یکی شرکتها را بحث می کند و دیگری معاملات دیجیتالی . و دیگری بورس و هکذا

ولی آن چه لازم است هر دو هست . اگر از من بپرسید می گویم هر دو لازم است ولا سیما دومی .

یعنی فقه معاصر با نگاه معاصر ... با نگاه به اقتضائات زمان و مکان ...

پس این طور شد که این ها دو معنا پیدا میکنند تا آخر

در آسیب شناسی ما باید ببینیم کدام را می خواهیم بگوییم که الان در حوزه علمیه قم مد نظر است که قاعدتا در مشهد هم هست و من این حرکت را روبه رشد کمی می بینم . البته آسیب هایی دارد و دومی هم دارد.

من تا 7 شماره به عنوان آسیب عنوان کردم .

قطعا بدانید سلیقه ای است و این طور نیست کسی نتواند نقد کند یا کم و زیاد کند . اگر ما سخنرانی قبلی را در نظر بگیریم ابزارهای استنباط که چهار مورد بود طبیعتا اگر هر کدام از این ابزارها نباشد می شود آسیب ... چون ابزار یعنی شرط لازم و وسیله و اگر نباشد می شود شرط لازم و فرض کنید ما نخواهیم به توسعه اصول فقه توجه کنیم، آسیب این جریان چه می شود؟ عدم توجه به این توسعه پس اولین آسیب از این ابزارهایی که گفتم عدم توجه به ابزار اول ...

مثالی برای شما می زنم ؛ فرض کنید استادی برای شما دارد از فقه سیاسی می گوید . من خودم چهار و پنج سال موضوع بحثم فقه سیاسی بود . در فقه سیاسی یکی از مسائل مهم ، رای مردم است جایگاه رای مردم و نظرات متفاوتی که وجود دارد رای مردم متوقف بر چه مساله است؟ گستره شریعت.

سوال این است که گستره شریعت کجا باید بحث شود؟ در اصول فقه.

علما ! الحمدلله همه اهل فن و استنباطید امکانش هست ما با نگاه حداقلی به گستره شریعت به حیطة سیاسی وارد شویم؟ آیا امکانش هست؟

مثلا برخی معتقدند در کل معاملات ما یک لا تظلمون داریم و یک لا تظلمون این یک نگاه است یا بزرگی که می گوید تمام دستورات اسلام جهاد حقوق بشردوستانه و .. همه تادیبات صلاحیه بوده یا آزای محموده مثل مرحوم آقای حائری دکتر مهدی حائری در آفاق فلسفه به این امر اعتقاد دارد. اصولا داخل در حوزه شریعت نیست و شما می خواهید کتاب جهاد بگویید باید به این نکات برسید مگر این که بی اعتنا شوید و باب ورود به این مباحث را ببندید . و بگویید ما چه کار داریم ما می خواهیم به سبک شرایع جلو برویم ... از

آن مباحثی که تحت عنوان دفتر دوم و سوم اصول فقه باید صحبت و اضافه شود همین توسعه گستره اصول فقه است. حقیر این ها را مفصل در فقه و مصلحت و فقه و عرف توضیح داده ام. این که این مباحث کی پیدا شده و چه جور بوده تا آخر.

• آسیب شناسی فقه معاصر

_ اولین آسیب در فقه معاصر؛ نپرداختن به مسائل لازم و عدم پرداختن به اصول فقه است؛ (1)

_ و دومین مطلب؛ نگاه سیستمی است ما دو سال پیش بود که می گفتیم نگاه سیستمی و الان به عنوان آسیب می گوئیم نداشتن نگاه سیستمی؛ نگاه مسأله مسأله ممکن است برخی جاها جواب دهد اما بسیاری از موقعیتهای جوابگو نیست؛ (2)

_ سوم: ما می گفتیم از ابزارهای داشتن گفتمان این کار است اما الان به عنوان آسیب میگوئیم نداشتن گفتمان این کار است. (3)

واقعا برخی این نگاه را ندارند و جالب این است از دوستانی که خود عهده دار بحث فقه معاصر است وقتی به او میگویند اصول عملیه؛ می گوید ما تا 90 درصد مسائل را با اصول عملیه پیش می بریم!! البته از سنخ برخی ارگانها و نهادهای قانون گذاری مملکت!

میگوئید یا حالت سابقه دارد یا ندارد یا شک در مکلف است یا شک در مکلف به است اگر شک در مکلف است یا جمع ممکن است یا ممکن نیست اولی استصحاب یا برائت یا تخییر و آخرش هم احتیاط.

_ اما چهارم، بحث موضوع شناسی است؛ بسیار در این مسائل مستحدثت ما لطمه خوردیم.

آن چهار ابزار وقتی نباشد می شود آسیب (4)

_ پنجم: چسبیدن به موضوعات مبهم و در حال شدن بدون توجه به تحولات آن (5)

در مسائل مستحدثت؛ یک نکته که بسیار مهم است این که بسیار مسائل دائم دارد عوض میشود و شکلهای مختلف پیدا میکنند... موضوعات این گونه ای غیر از سجده سهو و صلاة مسافر و امثال ذلک است فقیه باید به این تحولات توجه کند. بنده عضو کمیته فقهی بورس هم هستم الان این بحث رمز ارزها و یا سایر مباحث وقتی ما با خود آقایان می نشینیم و بحث می کنیم هنوز برای خودشان جوانب کار روشن نیست؛ در حالی که ما در این باره کتاب داریم و چاپ شده و علما هم به این موضوعات پرداخته اند...

این جا مهم این است: ما که داریم توجه میکنیم تا چه حد داریم توجه میکنیم... اگر موضوع در حال شدن باشد من معتقدم زود عجله نکنیم؛ به اسم این که حوزه چقدر جلو هست و... باید به روز باشد نباید عجله کرد. بنده معتقدم موضوعاتی که در حال شدن هست و هنوز سیر تحول نظری کامل خود را طی نکرده باید صبر کنیم، تا زمان کافی سپری شود و بعد به این موضوعات توجه کنیم در میان پروسه زمانی تحول موضوع وارد بحث نشویم که اسبیهای خاص خود را دارد. ما در کمیته فقهی بورس هنوز اختلافات

کارشناسان بورس را راجع به جوانب مسائل جدیدی که مطرح می کنند می بینیم بعد ما چه چیز را می خواهیم این وسط یا یک دید قاطع و صددرصدی به آن بپردازیم؟ بنویسیم و چاپ کنیم و این طرف و آن طرف ببریم و ...

– ششم: رفت و برگشت های بی حاصل..(6)

موقعی در مکاسب محرمه بنده رسیدم به بحث سرقفلی و حق حرفه و پیشه .

رفتم فتاوا را ببینم یا در بازی کله آف کلنز آن زمان خیلی رائج بود دیدم راجع به سرقفلی میگویند اگر هبه معوضه باشد اگر اجاره باشد اگر ... بحث این است کسی به این ها بگوید موضوع سرقفلی است و تمام شما چند پرونده حرم امام رضا یا حضرت معصومه را بردارید و بگویید یعنی این ... یک آقای از این فقه معاصریها نقل می کرد؛ نمیدانم چقدر درست می گفت یا همین طوری . می گویند وقتی اسکناس به عراق آمد، مرحوم سید صاحب عروه 18 احتمال راجع به اسکناس داد ... به هر حال این رفت و برگشت ها را ما در فقه کهن هم داریم. من در این کتاب روش شناسی اجتهاد مبحثی را بررسی کردم با عنوان رفت و برگشت های بی حاصل . من خیلی معتقد نیستم که بحثی را با رفت و آمد و تردید بیش از حد دنبال کنیم شما وقتی موضوع شناسی کردید بگویید این است و تمام ... در بازی کله آف کلنز دیدم برخی مطالبی را مطرح کردند که اصلا ربطی ندارد .

– هفتم: نداشتن خروجی مناسب؛ (7)

مثلا در مباحث فقه معاصر یک بحث تحت عنوان فقه تربیت است .. یا فقه شرکت ها ... فقه خانواده فقه الامنیة

یک وقتی شما فقه تربیت بحث می کنید و از آن یک نظام تربیتی بیرون می آورید.. سوال: نظام تربیتی اسلام واقعا مبتنی بر چیست؟

بر تشر است یا بر هدایت است؟ یا ممکن است بگویید بر اقتضا است که این مبهم است...

یک موقع شما یک نظام استخراج می کنید اما گاه شما بعد 20 جلسه آخر کار به این نتیجه میرسید که این کار مستحب است.

البته حکم خدا هر چه باشد احترام دارد . واجبش و حرامش مستحبش و مکروهش و مباحش اما خروجی فقه تربیت بعد چندین سال تدریس نباید یک بیان ضعیف باشد .

انتظار می رود یک خروجی قوی در فقه تربیت داشته باشیم. یا مثلا فقه قضا را ممکن است شهید اول راجع به رعایت عدالت و تساوی در نگاه کردن یک مطلب بگوید و شهید ثانی مطلب دیگری به هر حال انتظار این است که در فقه قضا یک مطلب مناسب به عنوان فقه القضا خروجی کار باشد.

به هر حال باید دید سیستم حاکم بر نظام قضایی سیستم ادله معنوی است که اقناع وجدان قاضی معیار است اقرارش طریقت دارد بینه اش طریقت دارد ولی اگر گفتیم ادله قانونی معیار است خیلی فرق می کند آقای نائینی دارد در کتاب القضا می گوید اگر یقین داری که الکی اقرار می کند و او را فریب داده اند؛ می گوید

اقرار است در هر حال . یعنی اصالت می دهد ؛ این را بگذارید کنار مثالی که زدم یا پرونده شخصیت یا هیئت منصفه ... این که بنده می گویم برخی مباحث در فقه معاصر حال خوشی ندارد از این جهت است . به هر حال قدم های مبارکی برداشته شده اما اگر در برخی جهات اشکال پیش آید باعث می شود که کسی ورود نکند . این آسیب های فقه معاصر است که الان رایج است

دربخش دوم آسیب شناسی به عنوان صفت و موصوف ؛ خوشحالتان کنم و این که در حد دو سه دقیقه بیشتر بحث نمیکنم خطری که در این حیطة است رویکرد ژورنالیستی است و عدم رعایت هنجارهای فقهی است . و یک فقه روزنامه ای ارائه شود عوام پسند و پوپولیستی باشد و اسم این جریان را میگذاریم عدم رعایت هنجارهای شناخته شده اجتهاد میگذاریم . این از آسیبهای بزرگی است که فقه معاصر درگیر آن است .

الحمد لله رب العالمین .